

زنای چشم یا زنای چشم؟ نقدی بر تصحیح بیتی از مثنوی مولوی

بهزاد برهان^۱

^۱دانشجوی دکتری اسلام‌شناسی، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مگیل

نویسنده مسئول: behzad.borhan@mail.mcgill.ca

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۴

چکیده

در تصحیح نسخه‌های خطی، نقاط و فاصله بین حروف و کلمات نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. اگر در یک عبارت، کلمه‌ای به چندین شکل خوانده شود که هر کدام معنایی مناسب آن بافت داشته باشد، یا اگر فاصله‌ای بین یکی از حروف کلمه، آن را به دو شکل معنادار مختلف تبدیل کند، انتخاب شکل درست دشوارتر است. حال اگر تفسیرپذیری و خاصه شیوه خاص تفسیر عرفانی را نیز در این خوانش‌ها دخیل کنیم، با انتخاب‌های بیشتری مواجهیم که هر کدام به‌گونه‌ای تأویل و تفسیر می‌شود. در دفتر چهارم مثنوی مولوی، در داستان «قصه عطاری که سنگ ترازوی او گل سر شوی بود...» عبارتی هست که بنا بر فاصله بین حروفش و داشتن یا نداشتن نقطه، به چند شکل مختلف خوانده می‌شود. هر کدام از مصححان و مفسران مثنوی شکلی را برگزیده و بنای تصحیح و تفسیرشان را بر آن گذاشته‌اند. این ضبطها و تفسیرهای برگزیده نارسایی‌هایی دارد. برآنم تا با بررسی حالت‌های ممکن ضبط‌های این عبارت و نگاهی به اهم شروح مثنوی، پیشنهادی ارائه دهم که نارسایی ضبط‌های پیشین را نداشته باشد.

کلیدواژه: نسخه خطی، تصحیح متون، مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم

۱. مقدمه

در تصحیح دست‌نویس‌های کهن، هر کلمه‌ای که برگزیده و ضبط می‌شود باید هم نسبت به بدل‌های خودش در نسخه‌ها ارجح باشد و هم نسبت به کلامات دیگر آن بافت و بدل‌های آن‌ها. ارجح بودن این ضبط به این معناست که این ضبط قرار است موجه‌ترین ضبط و تصحیح در میان نسخه‌بدل‌های رقیبشان باشد و بیشترین دلیل‌ها را داشته باشد که همان کلمه یا عبارتی است که روزی شخص نویسنده آن نوشته است. اگر نسخه‌ای از یک اثر را به خط مؤلفش بباییم که سعادتی کم‌یاب نصیب‌مان شده است؛ و اگر نه، به میزان تعداد نسخ معتبر و میزان اختلاف آن‌ها و حتی به میزان در امان بودن نسخه از آفات، از این سعادتی دور می‌شویم. ضبط آرمانی، به معنی ضبطی که عیناً مطابق نوشته مؤلف است موانع بی‌شمار دارد. از اولین کاتبی که از راه گوش یا چشم نسخه را ادراک می‌کند و می‌نویسد، تا مصححی که بعد از سالیان دراز به سراغ نسخ موجود آن اثر می‌رود، هر کدام از راه‌های مختلفی در اصالت آن اثر و ضبط آرمانی‌اش دخیل‌اند. این ضبط آرمانی در زمان تصحیح از دو غربال مهم می‌گذرد: دانش و سلیقه مصحح. مصححی که معنای یک کلمه یا عبارت را نمی‌داند، نخواهد هم توانست معنای روشنی از چپش آن کلمه یا عبارت در جمله، بیت، و یا بافت کلی پیدا کند. یا در مورد نسخه‌بدل‌هایی که پشتوانه‌های نسبتاً برابری از لحاظ اصالت یا قدمت نسخه دارند، و هر کدام هم به طریقی معنای کاملی از جمله می‌رسانند، سلیقه مصحح مهم‌ترین تأثیر را دارد. جدال کهن بر سر ضبط «یکدیگرند» و «یک پیکرند» در بیت مشهور سعدی یا «دیو مسلمان نشود» و «دیو سلیمان نشود» در حافظ را از شمار جدال‌هایی بدانید که پشتوانه نسخه بدل‌ها تقریباً مساوی است و هر کدام از آن‌ها معنای کامل و مفیدی از بیت به دست می‌دهد.

۲. بحث

مثنوی معنوی هم به تناسب اهمیت و حجم بالایش همواره با این شکل مشکلات تصحیح روبرو بوده است؛ آن هم از اولین کلمات. هم می‌توان «از نی» شنید که «حکایت می‌کند» و هم می‌توان شنید که «این نی چون شکایت می‌کند». هر کدام آن‌ها هم تفسیر شفاف و موجه خودش را دارد. اساساً وجود نسخه‌ها و بعد تصحیح‌ها و شروع پرشمار مثنوی با اختلافاتی که در جزئیاتشان دارند، هم نسخه‌های فراوانی از کلام مولوی پدید آورده و هم به تبعش تفسیر مختلفی از کلام او. بیتی که در ادامه خواهیم کاوید هم، اگرچه در شهرت با بیت نخست نی‌نامه تناسبی ندارد، اما بمانند او، خوانش‌هایی متفاوتی دارد که هر کدام از طریقی موجه و مستدل‌اند. بیت ما، بیت شماره ۶۴۵ دفتر چهارم نسخه نیکلسون است. ضبط این بیت و بیت پیشین‌اش در نسخه نیکلسون این است:

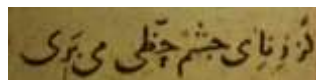
مرغ ز آن دانه نظر خوش می‌کند دانه هم از دور راهش می‌زند

(۶۴۴)

گر زناي چشم حظی می‌بری نی کباب از پهلوی خود می‌خوری

(۶۴۵)

نیکلسون اگرچه در متن «گر زناي چشم» ضبط کرده و تمام تصحیح‌های بر اساس تصحیح او هم همین‌طور آورده‌اند (۱۹۲۵: ۳۱۶؛ ۱۳۳۶: ۶۵۸؛ ۱۳۸۲: ۵۸۰)، اما از توضیحات و شرح‌اش معلوم می‌شود که «گر ز ناي چشم» می‌خوانده است. او در شرح این بیت نوشته: «ناي» گلو (قس: قَصَبَةُ الریه= نای، نای ریه و قَصَبَةُ المری، گلو، حلق)؛ در اینجا جناس است با (نی= نی شکر). این بیت اشارت است به نظر الی المُرْد. فاتح و منهج به غلط «زناي چشم»، یعنی از زناي (شهوت) چشم، قرائت کرده‌اند. (رنلد الین نیکلسون، ۱۳۷۸: ج ۴/ ۱۴۵۷) در ترجمه انگلیسی‌اش از این بیت هم، که بیشتر مفهومی است تا تحت‌اللفظی، گفته: «مرغ با لذت به دانه نگاه می‌کند»^۱ و اطلاعات دقیقی از شیوه خواندن این بیت به دست نمی‌دهد. توضیحات او در پانویستِ آخرین تصحیحاتش، که همراه بوده با مقابله با نسخه قونیه، نشان می‌دهد که «گر ز ناي چشم» می‌خوانده؛ هر چند در متن باز به اشتباه «ز» به «نا» چسبیده و «گر زناي چشم» آمده است: «k. کز زناي چشم. فاتح و منهج، زناي چشم: زنا + چشم، غلط است.» (مولوی، ۱۳۹۳: ج ۴/ ۳۰۲) در نسخه مهم و معتبر قونیه، کتابت ۶۷۷ ق.، واضحاً «کز ز ناي چشم» آمده است. (مولوی، ۱۳۷۱: ۳۱۲) برای ایضاح بیشتر عکس آن را ببینید:



و محمد استعلامی که تصحیح‌اش بر مبنای این نسخه است، مطابق همین ضبط قونیه یعنی «کز زناي چشم...» خوانده و در پاورقی آورده: «نیکلسون: گر زناي چشم...». متن مطابق ۶۶۸ و ۶۷۷ و غالب نسخه‌های معتبر (۱۳۷۹: ج ۴/ ۳۸) و در تعلیقات بیت توضیح داده است که: «در ۶۴۶ «زناي چشم» یعنی نگاه و تمایل به چیزی که مال دیگری است.» (۱۳۷۹: ج ۴/ ۲۷۷) در متن شرح انقروی (م ۱۰۴۱ ق.) هم اگرچه «کز زناي چشم» آمده اما باز چون در شرح گفته: «اگرچه از ناي چشم...» می‌فهمیم «گر ز ناي چشم» می‌خوانده است. او توضیح داده است که: «اگرچه از ناي چشم حظی می‌بری: از نگاه کردن به محبوبان و زیباییان ذوق می‌یابی و لذت می‌بری، آیا از پهلوی خود کباب نمی‌خوری؟ مسلماً از پهلوی خود کباب می‌خوری. از ناي چشم حظ بردن: یعنی با حظ نفس نگرستن. هروقت مؤمنی با نص شریف: و قل للمؤمنین یغضوا ابصارهم عمل بکنند و از محرمات چشم نپوشد، با نگرستن به محبوب و محبوبه حظ ببرد، هر قدر از طرف صورت حظ می‌برد، به همان نسبت از پهلوی روحانیت خود کم کرده و دین و دیانتش رو به نقصان گذاشته است.» (۱۳۸۸: ج ۱۰/ ۲۵۵) ملاهادی سبزواری «گر ز راه چشم» آورده اما «کز زناي چشم» را انساب دانسته است: «گر ز راه چشم: اگر «راه» باشد واضح است. و لیکن در بسیاری از نسخ «زنا» است به زای معجمه و نون. و لفظ «کز» هم به زای معجمه درین هنگام انساب است. و اشارت است به آن که در بعضی مأثورات عینانِ تَزْنِیانِ آمده است. (۱۳۷۴: ج ۲/ ۲۷۱) سیدجعفر شهیدی «کز زناي چشم» خوانده و گفته: «زناي چشم: نگاه شهوتناک به نامحرم کردن، دیده به آن چه حرام است دوختن. اشارت است بدین حدیث که: لکل عضو من بنی آدم حظاً من الزنا فالعین زنا النظر: برای هر عضو از فرزندان آدم بهره ای از زنا است، پس (نگریستن) چشم زناي نظر است. بعضی شارحان به خطا «گر زناي چشم» خوانده و تفسیرهای پر تکلف کرده‌اند. (۱۳۸۰: ج ۸/ ۱۰۰) کریم زمانی مطابق نیکلسون «گر ز ناي چشم» آورده و با اشاره به شرح عبداللطیف عباسی از «راه چشم» توضیح داده است که: «اگر از راه چشم و با نگاهی ناپاک، لذتی می‌بری، مگر نه اینست که از گوشت پهلوی خود کباب می‌خوری؟ ... [«ناي چشم» از نوع اضافه مشبّه به، به مشبّه است، یعنی چشمی که همانند «نی» دارای منفذ است. «زناي چشم» نیز جایز است. یعنی زنا کردن چشم. و منظور از آن چشم‌چرانی است که از بدترین بیماری‌های اخلاقی و روانی است. قرآن کریم، مؤمنان را از این آفت اخلاقی برحذر داشته از جمله در آیه ۳۰ سوره نور. روایتی نیز از پیامبر (ص) وارد شده است که: العینانِ تَزْنِیانِ و زناهما التَّظَرُّ... «دو چشم آدمی نیز زنا می‌کنند و زناي آن‌ها، نگاه ناپاک است...» (۱۳۷۲: ج ۴/ ۲۱۲)

¹ “The bird looks pleased at the bait.” (Nicholson, 1926, vol. 4, p. 307)

۳. بررسی حالت‌های ممکن و نقد آن‌ها

پیش از بررسی گونه‌های مختلف خواندن این مصرع و طرح پیشنهاد برای تصحیح آن، باید بگوییم که این پیشنهاد بعد از احتمالی که عبداللطیف عباسی گجراتی در شرح مثنوی‌اش یعنی لطایف المعنوی من حقایق المثنوی داده به ذهن رسید. او «گر ز نای چشم» ضبط کرده و در شرح این بیت نوشته است: «یعنی از راه چشم اگر به راه مهمله باشد و اگر «کز» به زاء معجمه خوانده شود «زنا» خواهد بود.» (۱۳۹۶: ۱۷۴) یعنی در صورتی که «گر» با راه مهمله باشد، «ز نای چشم» درست است و معنی آن از راه چشم است و اگر به زاء معجمه باشد و بشود «کز»، «زناى چشم» درست است. یعنی دو احتمال داده است، یکی «گر ز نای چشم» و یکی «کز زناى چشم» که هر دو احتمال از ضبط‌های مشهور مصححان و شارحان بعد از او بوده است. حین تصحیح شرح او، یعنی لطایف المعنوی من حقایق المثنوی، به خاطر آمد که اگر مراد عبداللطیف به راه مهمله خواندن کلمه «زنا» بود چه می‌شد؟ یعنی آیا «زنا» معنایی دارد؟ در لغت‌نامه‌ها به دنبال زنا گشتم. در المنجد ذیل زنا و مشتقاتش آمده بود: «أدام النَّظَرَ فِى سَكُونِ طَرْفٍ.» (۲۰۰۰: ۵۹۰) در اقرب الموارد نیز همین بود: «أدام النظر اليه بسكون الطرف و فى الأساس زنا لهُ و اليه» (۱۴۱۶: ج ۲ / ۴۴۲). در لسان العرب، بعد از ذکر این معانی، مشتقات دیگر زنا را «لهو مع شغل القلب و البصر و غلبه الهوى» و «أدام النظر الى من يحب» معنی کرده است (بی‌تا: ج ۱۴ / ۳۴۰) و در المعجم الوسيط و المخصصهم همین معانی تکرار شده (بی‌تا: ج ۱ / ۱۱۸؛ ۱۹۸۹: ۳۷۶). دهخدا نیز ذیل «زنا» به نقل از منتهی الارب و اقرب الموارد آورده: «پیوسته به سکون چشم نگرستن، پیوسته به سوی کسی به نگاه ساکن و ثابت نگرستن، با اشتغال دل و چشم و غلبه هوی به حدیث کسی توجه داشتن.» دیدم که این معانی از زنا، با بافت متن و معنی این بیت همخوانی کامل دارد و چه بسا بهتر از «ز نای چشم» و «زناى چشم» است. این شد که به بررسی حالت‌های ممکن خوانش این بیت پرداختم. با اضافه کردن شکل پیشنهادی جدید، شکل‌های ممکن ترکیب این کلمات یعنی (گر/کز) و (زناى/ ز نای/ زناى) در مصرع، از این شش خوانش بیرون نخواهد بود:

۱. گر ز نای چشم ۲. گر ز نای چشم ۳. گر ز نای چشم ۴. کز ز نای چشم ۵. کز ز نای چشم ۶. کز ز نای چشم

حالت ۱ و ۳ درست نیست؛ از آنجا که حظ بردن «از» چیزی خواهد بود. حالت ۵ هم که دو بار «از» دارد و ناممکن است. حالت‌های ۲ و ۴ معنای معقولی دارد و همه شارحان و مصححان یکی از این دو را انتخاب کرده‌اند. باین حال، گمان می‌کنم که حالت ۲ هم معنای دقیقی به دست نمی‌دهد. در «گر ز نای چشم» وجه شبه این اضافه مشبه به به مشبه (نای چشم) چیست؟ اگر قول کریم زمانی را بپذیریم، آیا دارای منفذ بودن وجه شبه مناسبی بین چشم و نای است؟ با چه توجیهی می‌توان گفت از نای چشم، یعنی از راه چشم؟ در مورد حالت ۴، یعنی «کز ز نای چشم»، اگرچه استناد به حدیث پیامبر اسلام ضبط «زنا» را موجه و معنادار می‌کند، اما تفسیر زنا از نگاه مرغ به خوراکش دانه، تفسیر چندان معقولی نیست. اگر این دو بیت را موقوف المعانی بخوانیم، بیت دوم از زبان دانه و خطاب به مرغ خواهد بود؛ حال چه با «که» آغاز شود و چه با «گر». من پیشنهاد می‌کنم حالت ۶ را نیز در نظر آورید. گمان می‌کنم شکل صحیح این مصرع می‌تواند «کز ز نای چشم حظی می‌بری» باشد؛ با این استدلال که معنای آن نسبت به حالات دیگر تأویل‌های دور و دراز ندارد و خود معنای کلمه رسا و کافی و به‌جاست. در نظرم محتمل است وقتی کاتبان معنای «زنا» را در نیافته‌اند، نقطه زاء در «کز» را به «زنا» داده و «زنا» نوشته‌اند، که معنای مشهوری داشته است. همچنین «نای» را از «ز» جدا و به راه و گلو معنی کرده‌اند. تمام این آشفتنگی‌های نسخ و تفاسیر از جدا کردن یا چسباندن «ز» و «نا» و یا تفاوت در خواندن «گر» و «کز» است. ضبط پیشنهادی این مقاله و مجموع معنای دو بیت بر اساس آن چنین است:

دانه هم از دور راهش می‌زند

مرغ ز آن دانه نظر خوش می‌کند

نی کباب از پهلوی خود می‌خوری؟

کز ز نای چشم حظی می‌بری

مرغ به آن دانه با نظری خوش می‌نگرد و از آن طرف دانه هم راهش را می‌زند که تو از نگرستن با هوی و به سکون چشم (معنای زنا)، حظ می‌بری، اما نه این است که با این کار به خودت زیان رسانده‌ای؟

۴. نتیجه‌گیری

فاصله بین حروف و کلمات یا جابجایی نقاط در نسخه‌های خطی، گاهی موجب می‌شود که ضبط‌های متفاوتی از یک ترکیب به دست آید که همه‌شان معقول و متناسب با بافت است. در بیت ۶۴۵ دفتر چهارم مثنوی با یکی از این ترکیبات روبرویم. بیت مطابق با نسخه مصحح نیکلسون این است: «گر ز نای چشم حظی می‌بری/ نی کباب از پهلوی خود می‌خوری» و همه مصححان و شارحان مثنوی تابه‌حال، یکی از این دو ضبط «گر ز نای چشم...» و «کز ز نای چشم...» را برگزیده‌اند. در این مقاله، من خوانش دیگری را برای ضبط این ترکیب پیشنهاد می‌کنم: «کز ز نای چشم...» که با توجه به معنای «زنا» (با هوی و اشتغال دل و به سکون چشم نگرستن) معنای درخوری از بیت به دست می‌دهد. گمان می‌کنم کاتبانی که معنای زنا را در نیافته‌اند، شکل منقوط و آشناتر آن یعنی زنا را وارد متن کرده و کم‌کم با جدایی زاء از نا، ترکیب «ز نای چشم» هم در نسخه‌ها رواج یافته است.

کتابنامه:

- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (بی تا). المخصص. ذیل مدخل «رنا». بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). لسان العرب. ج ۱۴، ذیل مدخل «رنا». بیروت: دار صادر.
- المعجم الوسیط (۱۹۸۹). مجمع اللغة العربیة. ج ۱، ذیل مدخل «رنا». استانبول: دار الدعوة.
- انقروی، اسماعیل. (۱۳۸۸). شرح کبیر انقروی بر مثنوی مولوی. تصحیح عصمت ستارزاده. تهران: نگارستان کتاب.
- زمانی، کریم. (۱۳۷۲). شرح جامع مثنوی معنوی. تهران: اطلاعات.
- سزواری، هادی بن مهدی. (۱۳۷۴). شرح مثنوی. تصحیح مصطفی بروجردی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شرتونی، سعید. (۱۴۱۶). أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. ذیل مدخل «رنا». تهران: منظمة الاوقاف و الشؤون الخیریة.
- شهیدی، جعفر. (۱۳۸۰). شرح مثنوی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عباسی، عبداللطیف بن عبدالله. (۱۳۹۶). لطایف المعنوی من حقایق المثنوی. تصحیح بهزاد برهان. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار و نشر سخن.
- معلوف، لوئیس. (۲۰۰۰). المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة. ج ۱، ذیل مدخل «رنا». بیروت: دار المشرق.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۳۶). مثنوی معنوی. تصحیح رنلد الین نیکلسون. تهران: امیرکبیر.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۹). مثنوی. تصحیح محمد استعلامی. تهران: سخن.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۹۳). مثنوی معنوی. تصحیح رنلد الین نیکلسون و حسن لاهوتی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۹۲۵). مثنوی معنوی. تصحیح رنلد الین نیکلسون. لیدن: مطبعه بریل.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۱). مثنوی معنوی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۸۲). مثنوی معنوی. تصحیح رینوالدالین نیکلسون. تهران: هرمس.
- نیکلسون، رنلد الین. (۱۳۷۸). شرح مثنوی معنوی. ویراسته ی بهالالدین خرماشاهی، ترجمه ی حسن لاهوتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- Nicholson, Reynold A. (1926). *The Mathnawi of Jalaluddin Rumi*. Cambridge: Cambridge University Press.

Zina of the Eye or Gaze of the Eye? A suggestion for editing a verse in the Mathnavi of Rumi

Abstract

The dots of Persian and Arabic letters and spaces between them and other words play a decisive role in editing manuscripts. If in one sentence, the distance between one of the letters makes it meaningful in different ways, each of which has a proper application in the context, it becomes challenging to choose the correct one. Now, if we include the interpretability and, in particular, the distinct method of mystical interpretations in readings the phrases, we would face more fitting choices. In the fourth book of Rumi's Mathnavi, in the "story of druggist whose balance-weight was clay for washing the head..." there is a phrase that is read in different ways depending on the distance between its letters and having or not having a dot. Each of Mathnavi's editors and commentators has chosen a form and laid the foundation for their editing and interpretation. The two most picked commentaries are insufficient in conveying the phrase's meaning. In this article, I examine the possible forms of this phrase. Then, by showing how most important commentators of Masnavi interpreted this phrase, I offer a new possibility that does not have the inadequacy of the previous ones.

Keywords: Manuscripts, Editing, Rumi, Mathnavi, Fourth book